

از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم!

رفیق اسکندر صادقی نژاد



کارگر قهرمان رفیق شهید اسکندر صادقی نژاد در سال ۱۳۱۹ در خانواده ای کارگری به دنیا آمد. از چهارده سالگی به عنوان شاگرد تراشکار به کار مشغول شد و در هفده سالگی اولین اعتصاب کارگری پس از کودتای ۲۸ مرداد را در محل کارش سازماندهی کرد. او به همین دلیل دستگیر شد و پس از آزادی از محل کارش اخراج شد. رفیق اسکندر، کارگر میل لنگ تراش کارخانه "بندار" بود که به عنوان کادر سندیکایی در صنف فلزکار - مکانیک فعالیت های قابل توجهی انجام داد و درست به خاطر همین فعالیت ها به عنوان یکی از دبیران سندیکای کارگران فلزکار - مکانیک انتخاب شد. این سندیکا در سال ۱۳۲۳ تاسیس شده بود و از قدیمی ترین کانون های مبارزات پرولتری در ایران بود که رژیم شاه هنوز نتوانسته بود آن را از بین ببرد. رفیق اسکندر عضو گروه کوهنوردی سندیکا نیز بود و همین مسئله اسباب آشنایی او با برخی رفقای دیگر که بعدها به عنوان انقلابیون کمونیست چریک فدائی شناخته شدند را نیز فراهم ساخت. رفیق اسکندر طی نیمه دوم دهه چهل در کنار رفیق غفور حسن پور در شکل گیری گروه جنگل نقش ایفا نمود.

به دنبال رستاخیز سیاهکل و اعدام ۱۳ رزمنده کمونیست در ۲۶ اسفند سال ۴۹، رفقای باقی مانده گروه جنگل یک تیم عملیاتی شکل دادند که رفیق اسکندر فرمانده آن بود. همین تیم در ۱۸ فروردین ماه، تیمسار فرسیو که حکم اعدام ۱۳ رزمنده سیاهکل را صادر کرده بود را به جزای خیانت ها و شقاوت های خود رساند. تیمسار فرسیو، مزدوری بود که رفقای سیاهکل را در دادگاه در بسته نظامی محاکمه و حکم اعدام آنان را صادر کرده بود. عملیات اعدام انقلابی فرسیو تاثیر بسیار شورانگیز و گسترده ای بر افشار پیشرو جامعه داشت و شور و شوق بسیاری برانگیخت تا آن جا که دانشجویان دانشگاه های تهران در تظاهرات پرشور اردیبهشت ماه سال ۵۰ خود فریاد می زدند "فرسیو مرگت مبارک". به دنبال این عملیات و عملیات کلانتری قلپک که توسط رفقای دیگری صورت گرفت و به واقع ادامه حیات و تداوم فعالیت های چریکهای فدائی خلق را به اطلاع همگان رساند ، دیکتاتوری حاکم که سخت به هراس افتاده بود، عکس های نه نفر از رفقا را در روزنامه ها منتشر و در معابر و

اماکن عمومی نصب نمود و اعلام کرد که برای کسانی که اطلاعاتی در مورد این نه نفر که منجر به دستگیری هر یک از آنان شود به پلیس بدهند، ۱۰۰ هزار تومان جایزه خواهد داد. رفیق اسکندر یکی از این ۹ رفیق بود. بعد از ادغام کامل باقی مانده گروه جنگل با گروهی که از نیمه دوم دهه چهل شکل گرفته و با نام رفیق احمد زاده شناخته می شود و پس از اعلام موجودیت چریک های فدائی خلق، رفیق اسکندر در مرکزیت این گروه قرار گرفت و فرماندهی تیمی بر عهده اش گذاشته شد که عملیات مصادره انقلابی بانک ملی خیابان آیزنهاور (آزادی کنونی) را در اردیبهشت ۱۳۵۰ سازمان داد. در جریان این عملیات که با موفقیت انجام شد، رفیق امیرپرویز پویان برای روشننگری کارمندان بانک به سخنرانی در باره اهداف چریک های فدائی خلق پرداخت. رفیق اسکندر سرانجام در جریان اجاره خانه ای که صاحب بنگاه معاملات ملکی به او و رفقای همراهش مشکوک و به پلیس اطلاع داده بود در زمان انتقال اثاثیه به داخل آن خانه با نیروهای امنیتی مواجه شد و بلافاصله بین او و رفقای دیگر با نیروهای دشمن درگیری مسلحانه صورت گرفت. در جریان این درگیری دو رفیق در پناه آتش رفیق اسکندر موفق به فرار شدند اما خود رفیق اسکندر به شهادت رسید. بدین ترتیب زندگی کارگر پیشروئی که در جریان فعالیت های انقلابی اش جهت رهائی کارگران به یکی از فرماندهان چریک های فدایی تبدیل شده بود در سوم خرداد ماه سال ۵۰ طی یک نبرد حماسی در خیابان طاووسی تهران در شرایطی که با مرگ خود نیز تأثیرات عمیق انقلابی در جامعه به جا گذاشت به پایان رسید. اما پیام این کارگر کمونیست فدائی به طبقه کارگر ایران که تنها راه رسیدن به آزادی مبارزه مسلحانه می باشد همچنان در طنین است.